

هدف عالی قیام امام حسین (ع)

قیام مقدس و پرشکوه امام حسین (ع) ریشه در انحراف های بنیادی و اساسی در جامعه اسلامی داشت. این انحراف ها زائیده انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود از سقیفه به بعد بود. که پس از شهادت علی (ع) کلا به دست سلسله سفیانی و حزب ضد اسلامی اموی افتاد. به گواهی اسناد تاریخی، سران این حزب هیچ اعتقادی به اسلام و اصول آن نداشتند (۱). و ظهور اسلام و به قدرت رسیدن پیامبر اسلام (ص) را، جلوه ای از پیروزی تیره بنی هاشم بر تیره بنی امیه، در جریان کشمکش قبیلگی در درون طایفه بزرگ قریش می دانستند. (۲)

و با یک حرکت خزنده، به تدریج در پوشش اسلام به مناصب کلیدی دست یافتند (۳) و سرانجام از سال چهارم هجری، حکومت اسلامی و سرنوشت و مقدرات امت اسلامی به دست این حزب افتاد و پس از بیست سال حکومت معاویه، و به دنبال مرگ وی، پسرش یزید به قدرت رسید که اوج انحراف بنیادی، و جلوه ای آشکار از ظهور ((جاهلیت نو)) در پوشش ظاهری اسلام بود (۳). امام حسین (ع) نمی توانست در برابر چنین فاجعه ای سکوت کند و احساس وظیفه می کرد که در برابر این وضع، اعتراض و مخالفت کند. سخنان، نامه ها و سایر اسنادی که از امام حسین (ع) به دست ما رسیده، به روشنی گویای این مطلب است. این اسناد بیانگر آن است که از نظر امام، پیشوا و رهبر مسلمانان شرائط و ویژگی هایی دارد که امویان فاقد آنها بودند و اساس انحراف ها و گمراهیها این بود که عناصر فاسد و غیر لایق، تکیه بر مسند خلافت اسلامی و جایگاه والای پیامبر زده بودند و حاکمیت و زمامداری آنها، آثار و نتایج بسیار تلخ و ویرانگری به دنبال آورده بود.

چند نمونه از تاءکیدهای امام در این باره یادآوری می شود:

ویژگی های پیشوای مسلمانان

- ۱- در نخستین روزهایی که امام حسین (ع) در مدینه، برای بیعت جهت یزید، در فشار بود، در پاسخ ولید که پیشنهاد بیعت با یزید را مطرح کرد، فرمود: اینک که مسلمانان به فرمانروایی مانند یزید گرفتار شده اند، باید فاتحه (اسلام را خواند) (۴).
- ۲- امام ضمن پاسخ نامه های کوفیان، نوشت :

امام و پیشوای مسلمانان کسی است که به کتاب خدا عمل نموده راه قسط و عدل را در پیش گیرد و ... (از حق پیروی کرده با تمام وجود خویش مطیع فرمان خدا باشد) (۵)

۳- امام حسین(ع) هنگام عزیمت به سوی عراق در منزلی بنام ((بیضه)) خطاب به ((حر)) خطبه ای ایراد کرد و طی آن انگیزه قیام خود را چنین شرح داد :

مردم! پیامبر خدا(ص) فرمود: هر مسلمانی با حکومت ستمگری مواجه گردد که حرام خدا را حلال ((شمرده و پیمان الهی را درهم می شکند، با سنت و قانون پیامبر از در مخالفت درآمده در میان بندگان خدا راه گناه و معصیت و تجاوزگری و دشمنی در پیش می گیرد، ولی او در مقابل چنین حکومتی، با عمل و یا با گفتار اظهار مخالفت نکند، برخداوند است که آن فرد(ساکت) را به کیفر همان ستمگر(آتش جهنم) محکوم سازد.

مردم! آگاه باشید اینان(بنی امیه) اطاعت خدا را ترک و پیروی از شیطان را بر خود فرض نموده اند، فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل نموده فی را(که مخصوص به خاندان پیامبر است) به خود اختصاص داده اند و من به هدایت و رهبری جامعه مسلمانان و قیام بر ضد این همه فساد و مفسدین که دین جدم را تغییر داده (اند، از دیگران شایسته ترم ...)) (۶)

حاکمیت بنی امیه که امام در این سخنان به گوشه هایی از آثار سوء آن اشاره نموده، در شوون مختلف جامعه اسلامی اثر گذاشته و فساد و آلودگی و گمراهی را گسترده و عمومی ساخته بود. امام حسین(ع) در موارد متعددی انگشت روی این عواقب سوء گذاشته و به مردم هشدار داده است که به چند نمونه آن اشاره می شود

محو سنتها و رواج بدعتها

:آن حضرت پس از ورود به مکه، نامه ای به سران قبائل بصره فرستاد و طی آن چنین نوشت
اینک پیک خود را با این نامه به سوی شما می فرستم، شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر دعوت می ...))
کنم، زیرا در شرائطی قرار گرفته ایم که سنت پیامبر به کلی از بین رفته و بدعتها زنده شده است، اگر سخن مرا بشنوید، شما را به راه راست هدایت خواهم کرد...)) (۷). دیگر به حق عمل نمی شود
حسین بن علی(ع) در راه عراق در منزلی به نام ((ذی حسم)) در میان یاران خود به پا خاست و خطبه ای بدین شرح ایراد نمود

پیشامدها همین است که می بینید، جدا اوضاع زمان دگرگون شده زشتیها آشکار و نیکیها و فضیلتها از محیط ما رخت بر بسته است و از فضیلتها جز اندکی مانند قطرات ته مانده ظرف آب باقی نمانده است. مردم در زندگی پست و ذلتباری به سر می برند و صحنه زندگی، همچون چراگاهی سنگلاخ، و کم علف، به جایگاه سخت و دشواری تبدیل شده است

آیا نمی بینید که دیگر به حق عمل نمی شود، و از باطل خودداری نمی شود؟! در چنین وضعی جا دارد که شخص با ایمان(از جان خود گذشته) مشتاق دیدار پروردگار باشد. در چنین محیط ذلتبار و آلوده ای، (مرگ را جز سعادت؛ و زندگی با ستمگران را جز رنج و آزردهی و ملال نمی دانم...)) (۸)

مسخ هویت دینی مردم

حاکمیت زمامداران اموی و اجرای سیاست های ضد اسلامی توسط آنان، هویت دینی مردم را مسخ کرده: ارزشهای معنوی را در جامعه از بین برده بود. امام در دنباله سخنان خود در منزل ((ذی حسم)) فرمود مردم بندگان دنیایند، دین به صورت ظاهری و در حد حرف و سخن در زبانشان مطرح می شود، تا زمانی (...)) که معاش و زندگی مادیشان رونق دارد، در اطراف دین گرد می آیند، اما زمانی که با بلا و گرفتاری آزمایش شوند، دینداران در اقلیت هستند.

(پیام جاوید قیام امام حسین(ع))

پیام قیام با شکوه سیدالشهداء(ع) منحصر به آن زمان نیست، بلکه این پیام پیامی جاوید و ابدی است و فراتر از محدوده زمان و مکان است، هر جا و در هر جامعه ای که به حق عمل نشود، و از باطل خودداری نشود، بدعتها زنده، و سنتها نابود شود، هر جا که احکام خدا تغییر و تحریف یابد و حاکمان و زمامداران با زور و ستمگری با مردم رفتار کنند، در هر جامعه ای که ویژگی های جاهلیت را داشته باشد آن جامعه، جامعه ای یزیدی بوده، و مبارزه و مخالفت با مفسد و آلودگی ها و آمران و عاملان آنها، کاری حسینی خواهد بود.